

به نام خدایی که در این نزدیکی است...

بخش دین و زندگی ویژه کنکور فرهنگیان 1404

مؤلف: نوید نیکونام دانشجوی رشته آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان سمنان

و دبیر درس تعلیم و تربیت اسلامی مجموعه گاماس 20

مقدمه: از روز اولی که وارد فضای تعلیم و تربیت شدم با خود عهد بستم که هر چه در توانم هست به کار بگیرم تا دانش آموزانی تربیت کنم که از جنبه های مختلف در زندگی پیشرفت کنند. اکنون که در مجموعه گاماس فعالیت می کنم بسیار خرسند هستم که میتوانم با این جزوه باری از دوش شما دانش آموزان بردارم و شما را یک گام به سوی شغل مقدس معلمی نزدیک کنم. به امید این که روزی تک تک شما را در ردای یک معلم ببینم.

نوید نیکونام



فهرست مطالب

3.....	درس نهم دینی سال دهم (آهنگ سفر)
7.....	درس دهم دینی سال دهم (اعتماد بر او)
9.....	درس یازدهم دینی سال دهم (دوستی با خدا)
12.....	درس دوازدهم دینی سال دهم (یاری از نماز و روزه)
16	درس سیزدهم دینی سال دهم (فضیلت آراستگی)
18.....	درس چهاردهم دینی سال دهم (زیبایی پوشیدگی)
20.....	درس شانزدهم دینی سال یازدهم (عزت نفس)
23.....	درس هفدهم دینی سال یازدهم (زمینه های پیوند)
25.....	درس هجدهم دینی سال یازدهم (پیوند مقدس)

درس نهم دینی سال دهم (آهنگ سفر)

در درس های قبلی که مربوط به کنکور فرهنگیان نمی شد با جهان آخرت آشنا شدیم و متوجه شدیم سرنوشت ابدی ما توسط اعمال ما در دنیا تعیین می شود. بنابراین باید در این دنیا راهی را انتخاب کنیم که موفقیت ما قطعی و حتمی باشد. از آنجا که هدف انسان از خلقت رسیدن به قرب خداوند متعال هست باید این هدف را در زندگی انتخاب کنیم تا در دنیا زندگی لذت بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست بیاوریم. البته برای رسیدن به این هدف متعالی باید برنامه ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که چنین سرنوشت زیبایی داشته باشد.

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و ثابت قدم ماندن (ثبات قدم) در آن لازم است اقدامات زیر را انجام دهیم: 1-عزم

2-عهد 3-مراقبه 4-محاسبه

1-تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم برای انجام کاری است. آدمی با عزم خویش انتخاب های خود را عملی می کند. (پس عزم باعث به فعلیت رساندن انتخاب های ماست) هرچه عزم و اراده ما قوی تر باشد رسیدن به هدف آسان تر می شود.

آنان که عزم قوی دارند	آنان که عزم ضعیف دارند
بر اهداف خود استوارند	در برابر تندباد حوادث تاب نمی آورند
شکیبایی و تحمل سختی دارند	مشکلات آنان را وادار به عقب نشینی می کند
سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند	سرنوشت را به دست حوادث می سپارند

لقمان حکیم به فرزندش راه و رسم زندگی را نشان می دهد و می گوید که صبر و شکیبایی از آثار اراده قوی است. (آیه پایین مربوط به همین عزم و اراده و آثارش یعنی صبر و شکیبایی می شه)

لقمان آیه هفدهم: **وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكْ مِنْ عِزِّ الْأُمُورِ** (بر آن چه به تو می رسد صبر کن که این از عزم و اراده در

کار های توست. همچنین این آیه مرتبط است با دعای امام کاظم که می فرمایند: **(بهترین توشه مسافر عزم و اراده است)**

کلمات کلیدی آیه: اصبر ، اصابک ، عزم الامور

2- عهد بستن با خداوند: کسی که قرب خداوند را به عنوان هدف انتخاب می کند با خدای خود پیمان می بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده یعنی: انجام واجبات و ترک محرمات ، را جامه عمل بپوشاند تا خداوند را خشنود سازد. اگر در مسیر رستگاری و خوشبختی قدم بگذاریم = خداوند از ما خشنود می شود و اگر به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت قدم بگذاریم = خداوند از ما ناخشنود می شود.

دو پیشنهاد درباره عهد بستن با خداوند: 1- بهترین زمان ها را برای عهد بستن با خداوند انتخاب کنیم مثل بعد از نماز، شب های قدر یا روز جمعه 2- عهد خود را در زمان های معینی در هفته تکرار کنیم مثل آخر هر هفته، آخر هر ماه یا هر سال شب قدر.

حالا بریم بررسی کنیم آیات مربوط به عهد و پیمان با خداوند رو:

سوره فتح آیه دهم: **هر که با عهد خود به خدا وفادار بماند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.**

سوره آل عمران آیه هفتاد و هفتم: **کسانی که پیمان الهی خود را با بهای ناچیز می فروشند آن ها بهره ای در آخرت نخواهند داشت، و خداوند با آنان سخن نمی گوید و به آنان نمی نگرد، آنان را از گناه پاک نمی کند و عذابی دردناک برای آنان خواهد بود.**

سوره بقره آیه چهلم: **به پیمانی که با من بستید وفا کنید تا من هم به پیمانم وفا کنم** (حالا پیمان خدا چی بود؟ آفرین پاداش عظیم)

3- مراقبه (مراقبت): باقی ماندن بر پیمان خود با خدا رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان باعث شرمندگی در مقابل او می شود. عهدی که ابتدا بسته می شود مانند یک نوزاد است که باید از او مراقبت شود تا آسیب نبیند.

امام علی(ع) می فرمایند: **گذشت ایام آفاتی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کار ها می شود.**

مراقبت یعنی کار های دیگه مارو به خودشون مشغول نکنن و تصمیم رو فراموش نکنیم و عوامل موجب سستی را از سر راه برداریم.

4- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبه نوبت به محاسبه می رسد تا میزان موفقیت خود را اندازه گیری کنیم. بعد از محاسبه اگر معلوم شد در انجام عهد موفق بودیم خداوند را شکر می کنیم زیرا او بهترین پشتیبان ما است. اما اگر معلوم شد سستی ورزیده ایم باید خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خدا طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی تر با خداوند دوباره عهد ببندیم.

اگر در این دنیا به حساب اعمال خود رسیدگی نکنیم در روز قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهد کرد در این مورد پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: (حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا) به حساب خود رسیدگی کنید قبل این که به حساب شما رسیدگی کنند.

بهتر است هر شب حساب خودمان در آن روز را ارزیابی کنیم، همچنین آخر هر هفته به حساب آن هفته رسیدگی کنیم و همچنین سالی یکبار برنامه خود را مرور کنیم. بهترین زمان برای محاسبه سالانه شب های قدر ماه رمضان است.

امام علی(ع): زیرک ترین انسان کسی است که از عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد. حالا چجوری؟

ایشون می فرمایند: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت در شب به خود برگردد و بگوید ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فرو بسته مومنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره زدودی؟ آیا....؟

آثار محاسبه نفس از دید حضرت علی(ع)
واقف شدن بر عیب ها
احاطه بر گناهان
جبران گناهان و اصلاح عیوب
اصلاح نفس
رستگاری

پیامبر و اهل بیت بهترین اسوه!

برای حرکت در مسیر هدف وجود اسوه هایی که مسیر را طی کرده اند و به مقصد رسیده اند ضروری است. زیرا به ما ثابت می کند که رسیدن به هدف ممکن است و ثنیا می توان از تجربه آنان استفاده کرد و به آن عمل کرد. از این رو قرآن کریم پیامبر اکرم را به عنوان نیکو ترین اسوه معرفی می کند: (رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است)

پیامبر هم همواره اهل بیت را به عنوان انسان های برتر معرفی می کند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می شود.

لازم است بدانیم اسوه بودن در امور ثابت است نه متغیر. امور ثابت مثل مهربانی، فداکاری، بخشش و و امور متغیر مثل وسایل نقلیه، جنس لباس ها و پارچه ها، امکانات شهری و

به طور مثال امام حسین (ع) از پدر خود نقل می کند که: رسول خدا در منزل اوقات خود را به سه بخش تقسیم می کردند. قسمتی برای عبادت ، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کار های شخصی.

برنامه ریزی و تقسیم زمان الگوی همیشگی است که از حدیث بالا می توان به دست آورد.

حضرت علی درباره چگونگی پیروی از ایشان می فرمایند: (آگاه باش برای هر پیروی کننده ای یک امام و پیشوا است که باید از او تبعیت کنند. هشیار باش امام شما از دنیا به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعا توانایی این قناعت را ندارید. ولی با پرهیزکاری و کوشش و عفت و درستکاری مرا یاری کنید

از حدیث بالا متوجه می شویم که ما مثل پیامبر و اهل بیت نمی توانیم بشویم ولی باید تمام تلاش خود را بکنیم که در راه آنان قرار گیریم و آنان را کمک کنیم.

درس دهم دینی سال دهم (اعتماد بر او)

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم سرنوشت ابدی انسان ها توسط اعمالشان در دنیا تعیین می شود. لازم است بار دیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکم تر و مطمئن تر از گذشته طی کنیم. در این درس به یکی از عوامل موثر در تقویت اراده و عزم یعنی توکل بر خدا آشنا می شویم.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ : آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟

حقیقت توکل بر خداوند

توکل بر خدا به معنای اعتماد خداوند است. یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود می داند و در عین عمل به وظایف خود نتیجه امورش را به خداوند می سپارد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَوَجَّهْهُ و آن کس که در راه حق به خدا توکل کند خداوند او را بس است

إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ خداوند امر خویش را به سرانجام می رساند

انسان متوکل می داند در صورت انجام وظیفه هر نتیجه ای به دست آید به مصلحت اوست گرچه خود به مصلحتش آگاه نباشد. زیرا خداوند آینده ای را می بیند که ما نمی بینیم. چیز هایی را به نفع خود می پنداریم که به ضرر ماست و بالعکس.

وَعَمَىٰ عَن كَلْمِهِ شَيْئًا وَهُوَ خَيْرُ كَلَمٍ و چه بسا چیزی را بد پندارید و آن برای شما خوب باشد

وَعَمَىٰ إِنَّ شَيْئًا وَهُوَ شَرُّ كَلَمٍ و چه بسا چیزی را خوب پندارید و آن برای شما بد باشد

امام علی (ع) میفرماید: خداوند! تو با آنان که به تو بیشتر عشق می ورزند ، بیش از دیگران انس میگیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری اسرارشان را می دانی و بر اندیشه آنان آگاهی.

ایشان در ادامه می فرماید: اگر تنهایی آنان را به وحشت اندازد یاد تو آنان را آرام می سازد و اگر مصیبت ها بر آنان فرود آید به تو پناه می آورند چون می دانند که سر رشته کارها به دست توست.

شرایط توکل صحیح

1- توکل کردن فقط به معنای گفتن خدایا بر تو توکل می کنم نیست بلکه باید در قلب خود بر خدا توکل کنیم. اگر این گونه باشیم خداوند کار های ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آنچه به نفع ما هست پیش خواهد آمد.

امام صادق: خداوند به داوود وحی کرد هر بنده ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آوردند از کارش چاره جویی می کنم گرچه همه آسمان ها و زمین و هرچه در آنهاست علیه او برخیزند.

2- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد ، بهترین راه را انتخاب کند و با عزم و اراده به سوی مقصود خویش حرکت کند. زیرا توکل جانشین تنبلی نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت و اهل پشتکار است.

روزی پیامبر به مردمی برخورد که اهل فعالیت نبودند. به آنان گفت شما چگونه مردمی هستید؟ گفتند : توکل کننده بر خدا هستیم. پیامبر فرمود: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید. نوجوانی و جوانی دوران تصمیمات بزرگ و سرنوشت ساز است. هرچه از عمر می گذرد و قوای انسان به سستی می گراید توان انسان برای تصمیمات بزرگ کاهش می یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارند. او می تواند آرمان های بزرگی از نوع پرواز و صعود کردن داشته باشد نه از نوع آرمان های ماندن در باتلاق زندگی دنیایی. از این رو در این دوره نیاز شدید تری برای توکل و اعتماد به خداوند حس می شود.

اشعار مرتبط با توکل:

گر توکل می کنی در کار کن	کشت کن پس تکیه بر جبار کن
گفت پیغمبر به آواز بلند	با توکل زانوی اشتر ببند

نکته آخر: طبق آیه 99 سوره نحل شیطان بر انسان متوکل توانایی تسلط ندارد.

درس یازدهم دینی سال دهم (دوستی با خدا)

امام سجاده: بارلها خوب می دانم هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد غیر تورا انتخاب نکند و آن کس که با تو انس گیرد لحظه ای از تو روی گردان نشود. دوست داشتنت را از خودت می خواهم.

محبت و دوست سرچشمه بسیاری از تصمیم گیری هاست. هرچه دلبستگی و محبت شدید تر باشد تاثیر آن نیز در زندگی عمیق تر می باشد.

چه قدر می ارزیم؟

خاطره ای از علامه جعفری: که در نشست بین المللی معیار ارزش انسان را به چیز هایی که علاقه دارد تعیین کرد. وقتی حضار این را شنیدند بلند شدن و برای او دست زدند. او گفت: این کلام من نبود بلکه سخن فردی به نام علی بن ابی طالب بود که می فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می دارد.

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات ببندد زندگی اش رنگ و بوی دیگری می گیرد. محبت به خداوند افسردگی ترس و ناامیدی را از بین می برد و تبدیل به نشاط و شجاعت و قدرت می کند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی را به او هدیه می کند. همه این ها بخاطر این است که قلب انسان جایگاه خداست و با غیر از آن آرام نمی گیرد.

امام صادق می فرماید: قلب انسان حرم خداست در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ	و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا
و الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ	می گیرند و آنان را دوست دارند مانند دوستی
	خداوند. اما کسانی که ایمان آوردند به خدا
	محبت بیشتری دارند.

آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن: 1- پیروی از خدا 2- تولی 3- تبری

1- پیروی از خداوند: نمی شود انسان عاشق کسی باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است. برخی می گویند اگر قلب انسان با خدا باشد کافی است و نیازی به عمل به دستورات پیامبرش نیست اما خدا در جواب شرط دوست داشتن خود را این گونه می گوید:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان
و یغفر لكم ذنوبكم و الله غفورٌ رحيم بخشد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

همچنین امام صادق می فرماید: کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما توجه دارد. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات برای ما سخت است باید مطمئن شویم این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

2- دوستی با دوستان خدا (تولی): اگر میخواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند دوست داشتن آن را به ما توصیه کرده در دل جای دهیم. هر میزان محبت ما به این افراد بیشتر شود رابطه ما با خداوند هم بهتر می شود (محبت ما نسبت به خدا بیشتر می شود)

انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق دوستان خداوند هستند و باید آنها را هم دوست داشت. البته باید محبت همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

3- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: یعنی تبری و جهاد: عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران است. همه پیامبران الهی زندگی خود را در مبارزه با ستم و ستمگران سپری کردند. نمی شود کسی دوستدار خداوند باشد اما در مقابله زشتی های جامعه سکوت اختیار کند. از این رو جهاد در راه خدا در برنامه تمام پیامبران الهی بوده است. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه و عراق نمونه ای از رفتار مستکبران با مسلمانان است که جز با مبارزه برطرف نخواهد شد. چ

در نتیجه دینداری با دوستاری خداوند آغاز می شود و برائت از دشمنان خدا را به ارمغان می آورد.

لااله الا الله که پایه و اساس بنای اسلام است مرکب از از یک (نه) و یک (آری) است. نه به هرچه غیر از خداست و آری به خدای یگانه. پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی و تبری. هرچه دوستی با دوستان خدا بیشتر تنفر از دشمنان خدا بیشتر می شود.

امام خمینی(ره): باید مسلمانان فضای سراسر عالم از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

اشعار مرتبط با حدیث حضرت علی مبنی بر ارزش هر انسان:

تا در طلب گوهر کانی کانی	تا در هوس لقمه نانی نانی
این نکته رمز اگر بدانی دانی	هرچیز که در جستن آنی آنی

و نکته آخر: پیامبر اکرم فرمودند: **هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود.**

نشان از اهمیت انتخاب افراد برای ابراز علاقه و محبت.

درس دوازدهم دینی سال دهم (یاری از نماز و روزه)

خدای متعال برای زندگی ما برنامه ای تنظیم کرده است که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی است که با عمل به این دستورات انسان می تواند یک گام در مسیر قرب الهی بردارد. گرچه تمامی مصالح و علت ها و حکمت های این دستورات را نمیدانیم اما انسان دوست دارد حکمت الهی را بداند تا با معرفت بیشتر احکام الهی را انجام دهد. از این رو خداوند برخی از مهم ترین فواید احکام خود را به ما گفته است و در این درس با فواید دو عمل مهم در زندگی هر فرد مسلمان یعنی نماز و روزه آشنا می شویم.

فایده های نماز = 1- یاد خدا 2- دوری از گناهان فایده روزه = تقوا

تقوا

امام علی(ع) می فرمایند: (مثل انسان های بی تقوا مانند سوارکارانی است که سوار بر اسب های چموش و سرکشی شده اند که لجام پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته است. به بالا و پایین می پرد و عاقبت سوارکار را در آتش می افکند. اما مثل انسان های با تقوا مثل سوارکارانی است که بر اسب های رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیماند تا وارد بهشت شود.)

تفاوت اصلی میان دو سوارکار سرکشی یک اسب و مطیع بودن اسب دیگر است.

تقوا به معنای حفاظت و نگهداری است. انسان با تقوا خودنگهدار است. خود را از گناهان دور می سازد. بر خودش مسلط است و افسار نفس خود را در اختیار دارد و نمیگذارد نفس سرکشی کند و او را به دره های هولناک گناه بیندازد. قرآن کریم راه های متعددی برای افزایش تقوا به ما نشان داده که به دو مورد یعنی نماز و روزه اشاره می کنیم.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسان پنج بار در طول روز نماز می خواند و یاد خدا را در دل زنده می کند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت بر اعمال او باعث می شود انسان دست به گناه نزند.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ و نماز را به پا دار که نماز از کار های زشت و ناپسند نهی می کند

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ و قطعاً یاد خداوند بالاتر است و خدا می داند چه می کنید.

شایسته است دقت کنیم که تاثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را افزایش دهیم از آن تاثیر خواهیم گرفت. نمی توان انتظار داشت خواندن چند رکعت نماز شتابزده و بدون رعایت آداب تاثیری در زندگی ما داشته باشد. هر کدام از ما در اطرافیانمان می توانیم ببینیم کسی که به نماز توجه بیشتری دارد از گناهان بیشتری دوری می کند. اگر زندانیان را بنگریم کمتر افراد نماز خوان را پیدا می کنیم.

امام صادق (ع): (هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه ببیند که نماز او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری از گناهان شده است این نماز قبول شده است.)

اگر نماز را کوچک نشماریم به تدریج نه تنها از گناهان بلکه مکروهات نیز دور می شویم از این رو:	
اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم	بی نظمی از زندگی دور می شود
اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم	آلودگی های ظاهری ما کم می شود
اگر شرط غصبی بودن لباس و مکان نمازگذار را رعایت کنیم	کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد
اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خدا توجه داشته باشیم	قدرت های دیگره در نظرممان کوچک خواهد آمد
اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر بگیریم	در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد
اگر عبارت (اهدنا الصراط المستقیم) را صادقانه از خدا بخواهیم	به راه های انحرافی دل نخواهیم بست
اگر عبارت (غیر المغضوب علیهم و لا الضالین) را با توجه بگوییم	در زمره کسانی که خدا بر آنان خشم گرفته قرار نمی گیریم

در سال قبل آموختیم که برای انجام نماز باید بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.

همه چیز پاک است غیر از 11 مورد:

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد	ادار و مدفوع انسان و حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده دارد	مردار انسان و حیواناتی که خون جهنده دارد	سگ زنده و مرده آن
و.....	خوک زنده و مرده آن	انسان کافر	شراب و هر مایع مستی آور

بقیش و فعلا نیاز نیست بلد باشید.....

حضرت علی(ع): (رسول خدا نماز را به چشمه آبی تشبیه کردند که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شست شو دهد پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی ماند.)

خداوند در قرآن در مورد شراب که نوشیدن آن چه کم و چه زیاد حرام است می فرماید: (ای مردمی که ایمان آوردید به راستی شراب و قمار و بت برستی و تیرک های بخت آمیزی پلید و از کار های شیطانی است. پس از آن دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی ایجاد کند و شما را از یاد خدا باز دارد).

اعمالی که تاثیر نماز را از بین می برد: 1- ناراحت کردن پدر و مادر 2- غیبت کردن

1- ناراحت کردن پدر و مادر: امام صادق: (فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خداوند پذیرفته نیست).

2- غیبت کردن: پیامبر اکرم خطاب به ابوذر: (هر کس غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و ورزه اش قبول نیست مگر این که فرد غیبت شونده او را ببخشد).

روزه

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ به میزان تسلط خویش و خودنگهداری یا همون تقوا بستگی دارد. هرچه هدف بزرگتر تقوای بیشتری را می طلبد. خداوند انسان را به عملی راهنمایی کرده است که اگر آن را به درستی انجام دهد چنان تسلطی بر خود پیدا می کند که می تواند موانع درونی را کنار بگذارد و گام های موفقیت رو به سمت هدف های زندگی به خوبی بردارد. روزه نمونه کامل صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است. کسی که یک ماه از تمامی گناهان دوری می کند و همچنین گرسنگی و تشنگی را تحمل می کند به تسلطی بر خود می رسد که قبلا آن را نداشته است. چنین فردی به جایی می رسد که احساس می کند هر کاری خداوند خواسته است را می تواند به راحتی انجام دهد.

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است

یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ

همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود تا که تقوا پیشه کنید

کَمَا کُتِبَ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ

احکام روزه
نه چیز روزه را باطل می کند: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حق، فروبردن تمام سر در آب، اسماء و باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
کسی که غسل بر او واجب است اگر عمدا تا اذان صبح غسل نکند وظیفه اش تیمم است و اگر عمدا تیمم نکند نمی تواند روزه بگیرد البته اگر سهله انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود میتواند با تیمم روزه بگیرد
اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد وبعد از رمضان عذر او برطرف شد و تا رمضان بعدی از قصد قضای روزه را نگیرد هم باید روزه را قضا کند هم برای هر روز یک مد طعام بدهد (750 گرم گندم و یا جو)
اگر کسی عمدا روزه ماه رمضان را نگیرد باید هم قضای آن را به جا بیاورد و هم کفاره بدهد (یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد)
اگر کسی با چیز حرامی روزه خود را باطل کند مثلاً دروغی بر خدا نسبت دهد کفاره جمع بر او واجب میشود. یعنی باید هردو کفاره یاد شده را بدهد. البته که مربوط به توانایی اوست.

وظیفه روزه شخص مسافر که اگر شرط های زیر را داشته باشد باید روزه اش را نگیرد و نماز را شکسته بخواند:

اول این که بیشتر از چهار فرسخ دور شود و رفت و برگشت نیز بیش از هشت فرسخ باشد

دوما بخواهد کمتر از ده روز در جایی بماند.

برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد اگر برای کار حرام یا رفتن بدون اجازه والدین به سفری که واجب نباشد نماز و روزه اش کامل خواهد بود.

برای رسیدن به خانه یا وطن قبل و یا بعد از ظهر یک رمز وجود دارد: نماز را در وطن خودت بخون!

درس سیزدهم دینی سال دهم (فضیلت آراستگی)

آراستگی به معنای بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو. بنابراین دو نوع آراستگی داریم آراستگی باطنی و ظاهری. انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و میکوشد ظاهر و باطن خود را آراسته کند تا دیگران او را تحسین کنند و از بودن با او لذت ببرند. پیشوایان ما هم به آراستگی باطنی و هم ظاهری پایه بند بودند و آراستگی را از اخلاق مومنان می دانستند.

به طور مثال هر که در خانه پیامبر را می زد و با او کار داشت آن حضرت موهای خود را شانه می زدند و لباس خود را مرتب می کردند و میفرمودند: (**خدای متعال دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می رود آماده و آراسته باشد**). پیامبر همچنین همواره معطر در جمع حاضر می شدند.

روزی یکی از زاهدان به امام صادق رسید و گفت رسول خدا مثل شما اینگونه لباس زیبا نمی پوشیدند. ایشان فرمودند: (**در آن زمان مردم در سختی بودند اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی خریدن چنین لباسی را دارند. همچنین گفتند خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و ژولیده نشان دادن خود بدش می آید. و نیز می فرمودند که دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است**).)

در کنار این توصیه های پیشوایان ما جداگانه مردان و زنان را به آراستگی سفارش کرده اند.

مردان= پیامبر اکرم(ص): **سبیل ها و موهای بینی خود را کوتاه کنید زیرا این کار به زیبایی شما می افزاید.**

زنان= پیامبر اکرم(ص): **ناخن های خود را مقداری بلند بگذارید چون برای شما زیبا تر است.**

این آراستگی شامل زمان حضور در خانه و مخصوصا در موقع عبادات هم می شود. تکرار دائمی نماز در شبانه روز این آراستگی را در طول روز حفظ می کند و زندگی را با صفا می کند.

مقبولیت

مقبولیت یعنی دوست داریم دیگران ما را فردی شایسته بدانند و تحسین کنند. این نیاز در دوران نوجوانی و جوانی نمود بیشتری دارد و سبب می شود که آن ها بیشتر به خود بپردازند و توانایی ها و استعداد های خود را کشف کنند. بنابراین هر کس در جامعه سعی میکند مقبولیت بیشتری کسب کند. البته افراد اندکی به این نیاز طبیعی پاسخ درست نمی دهند و با به کار بردن الفاظ زشت یا گذاشتن سیگار بر لب یا پوشیدن لباس های نا مناسب می خواهند وجود خود را اثبات کنند. این قبیل اعمال نشانه ضعف روحی روانی در اثبات خود است.

عفاف

عفاف حالتی از انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی ها و کندروی ها کنترل می کند. تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه روی پیشروی کند. در نگاه کلی یعنی برآورده کردن همه نیاز ها در حد مطلوب.

تبرج

تبرج یعنی یعنی زیاده روی کردن در آراستگی ظاهری و تندروی در ایجاد مقبولیت. زیاده روی در آراستگی باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی می شود. انسان عقیف آراستگی خود را در حد اعتدال نگه می دارد و دچار تبرج نمی شود و اجازه نمی دهد به شخصیت انسانی و توهین شود. هیچ انسان عقیفی از مقبولیت گریزان نیست اما خود را با ارزش تر از چیزی می داند که بخواهد مقبولیت را از راه آراستگی بیش از حد به دست آرد. بنابراین هرچه عفاف در انسان محکم تر باشد نوع آراستگی و پوشش با وقار تر می شود و هرچه عفاف در فرد ضعیف تر باشد آراستگی پوشش سبک تر می شود و جنبه خودنمایی به خود می گیرد.

امام علی(ع): **مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در آن صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ با خود بروی.**

امام صادق(ع) **لباس نازک و بدن نما نپوشید زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف در دینداری است.**

اگرچه عفاف خصلت هر انسان با فضیلتی اعم از مردان و زنان است اما وجود آن در زنان ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. احساسات لطیف زن بیانگر زیبایی های درونی و چهره زیبا مظهر زیبایی بیرونی است. برای حفظ چنین نعمتی خداوند احکام ویژه ای برای زن قرار داده است تا گوهر وجودش از نا اهلان دور بماند. دریافت هر نعمتی از خداوند مسئولیتی به همراه می آورد. عرضه نابه جای زیبایی به جای گرمی بخشیدن به خانواده، عفت و حیا را از بین می برد و این گوهر مقدس را از او می گیرد.

درس چهاردهم دینی سال دهم (زیبایی پوشیدگی)

پوشش مناسب از نشانه های عفاف است به گونه ای که از نوع پوشش هر کس می توان متوجه شد ارزش او چقدر است. با اینکه خداوند هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده است. اما نسبت به پوشش زنان به دلیل بهره مندی از نعمت جمال و زیبایی توجه ویژه ای دارد.

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی دستور خاصی وجود دارد؟
الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه پاک نگه دارند.
ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناهان پاک نگه دارند.
ج) استفاده از زیور آلات نباید به شکلی باشد که توجه نامحرم را به خود جلب کند
د) زنان باید پوشش خود را جوری تنظیم کنند که علاوه بر موی سر گریبان و گردن آن ها نیز پوشیده باشد.

امام کاظم (ع) در جواب کسی که پرسیدند دیدن چه مقدار از بدن نامحرم جایز است فرمودند: چهره و دست تا مچ. امام صادق (ع) نیز در پاسخ فضیل بن یسار که پرسید آیا ساعد زن از قسمت هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ گفتند: بلی آنچه زیر روسری است نباید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده باشد.

یا ایها النبی قل لازواجکم و بناتکم و نساء المؤمنین
ای پیامبر به زنان و دختران و زنان مومنان بگو

یدنین علیهن من جلابهن ذلک ادنی ان یعرفن
پوشش های خود را به هم نزدیک کنند این برای این که به عفاف شناخته شوند

فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً
و مورد آزار قرار نگیرند. بهتر است و خداوند همیشه آمرزنده و مهربان است

از آیه بالا چنین استنباط می شود که زنان به عفاف و پاکی شناخته می شوند و افراد بی بند و بار به خود اجازه تعرض به آنان را نمی دهد.

چگونگی و نوع پوشش تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت ها و اقوام است. اسلام ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی مردان را موظف کرده است که لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش های جامعه هماهنگی داشته باشد. بنابراین لباسی که او را انگشت نما کند و یا وسیله جذب زنان نامحرم شود حرام است. زنان نیز باید دو شرط را رعایت کنند: اول این که تمام بدن خود را به جز صورت و دست ها تا مچ بپوشانند و دوم این که پوشش آنان نباید نازک و چسبان و تحریک کننده باشد.

این وظیفه الهی هر چه کامل تر انجام شود نزد خدا با ارزش تر می شود و فرد را به کمال معنوی بالاتری می رساند. از این رو استفاده از چادر که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ بیشتر کرامت و منزلت زن می شود و توجه نامحرم را به حداقل می رساند اولویت دارد.

آیا حجاب باعث سلب آزادی و کاهش حضور زنان در جامعه می شود؟

این دستور فقط برای حضور در اجتماع و در مقابل نامحرمان است اما حضور زنان در جامعه را محدود نمی سازد و حتی باعث می شود امنیت آنان هم حفظ شود. تجربه کشور ما نشان داده است که قانون حجاب نه تنها باعث کم رنگ شدن حضور زنان در جامعه نشده بلکه چند برابر هم شده است. این قانون باعث می شود حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

آیا حجاب اختصاص به مسلمانان دارد؟

تمام ادیان الهی که در واقع یک دین هستند همواره بر پوشش تاکید می کنند. مطابق دین یهود زنان هنگام حضور در اجتماعات باید موی سر خود را بپوشانند. در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح می کوشند مثل حضرت مریم موی خود را بپوشانند. نقاشان مسیحی همواره چهره حضرت مریم را با پوشش کامل می کشیدند. در دوران اخیر پایبندی به تعالیم دینی کم شده است و بی حجابی در غرب جایی در اندیشه مسیحیت ندارد بلکه بازگشتی به سنت های مشرکانه قبل از حضرت مسیح است. زنان زرتشتی هم با پوشش کامل در محل های عمومی رفت و آمد می کردند و چنان این امر برجسته بود که مورخان غربی بر این باورند که میتوانند از ایران باستان به عنوان منشأ اصلی گسترش حجاب نام ببرند.

درس شانزدهم دینی سال یازدهم (عزت نفس)

یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که در قرآن بیش از **95 بار** آمده است. عزت به معنای نفوذ ناپذیری و تسلیم نبودن است. وقتی میگوییم خداوند عزیز است یعنی کسی نمیتواند در اراده او نفوذ کند. واژه ذلت مقابل عزت است و به معنای نفوذ پذیری و تسلیم بودن است.

بنابراین:

انسان عزیز: در برابر ظالمان و مستکبران و همچنین هوای نفس خود می ایستد و تسلیم نمی شود.

انسان ذلیل: کسی که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می دهد و هر فرمانی از جمله هوای نفس خود را می پذیرد.

من کان یرید الغره فله الغره جمیعا هرکس عزت را میخواهد بداند هرچه عزت است دست خداست

للذین احسنوا الحی و زیاده و لایر حق و جوهم قرو لا ذله برای کسانی که نیکی پیشه کردند پاداشی نیک و چیزی فزون تر است و بر چهره آنان غبار ذلت نمی نشیند.

والذین کسوا السینات جزاء السینات بمثلهم و ترهقم الذله آنان که بدی کردند جزای به اندازه عمل خود را می بینند . بر چهره آنان غبار ذلت می شیند.

1- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک: اگر کالای گران قیمتی مانند طلا داشته باشیم اما ارزش آن را

ندانیم به آسانی فریب می خوریم و آن را به بهای اندک می فروشیم. از همین رو خداوند جایگاه انسان در خلقت را این گونه معرفی میکند: **ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.** و خطاب به انسان فرمود: **این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم.**

خداوند وعده دیدار و بهشتی به وسعت آسمان ها و زمین داده است. آیا بهایی بالاتر از این به ذهن انسان میرسد؟ آیا میتوان بهای بالاتری برای انسان فرض کرد؟

امام علی(ع) : **همانا بهایی برای شما جز بهشت نیست پس خود را به کمتر از آن نفروشید.**

2- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

خداوند خالق تمام هستی و سرچشمه و منبع همه قدرت ها و عزت هاست و او وجودشکست ناپذیری دارد و هیچ کس توان ایستادن در برابر او را ندارد. هرکس دنبال عزت است باید خود را به این سرچشمه متصل کند.

امیر مومنان در وصف کسانی که عزت خود را در بندگی خدا یافته اند می گوید: **خالق جهان در نظر آنان بزرگ است و از این جهت غیر خدا در نظرشان کوچک است.**

امیرالمومنین می فرماید: **بنده کسی مثل خودت نباش زیرا خدا تو را آزاده آفریده است.**

سه نمونه اسوه عزت در برابر ستمگران
پیامبر اکرم که در محاصره مکه قرار داشت و جز یارانی اندک و فقیر پشتوانه ای نداشت به وعده های سران قریش مثل ثروت و ریاست گفت: اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند از حق دست نمی کشم و تسلیم نمیشوم.
امام حسین که در صحرای کربلا و در محاصره هزاران نفر جنگجو گفتند: مرگ با عزت از زندگی با ذلت برتر است.
حضرت زینب خواهر شجاع امام حسین در پاسخ رفتار تحقیر آمیز حاکم کوفه گفت: در این واقعه جز زیبایی ندیدم.

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی به تمایلاتی است که عزت نفس را ضعیف می کند. چون انسان هنوز به گناه عادت نکرد است و در او ریشه دار نشده است. بنابراین نوجوان و جوان بهتر از هر آدمی میتواند با این تمایلات مقابله کند.

خود عالی = به تمایلات برتر مانند عدالت ، شجاعت ، حیا و ایثار و میگویند که مربوط به روح الهی و معنوی ما میشود و ما از این تمایلات به کمال و لذت می رسیم

خود دانی = به تمایلات ذاتی مانند میل به ثروت ، شهرت ، غذا های لذیذ و که مربوط به بعد دنیوی و مادی می شود و این تمایلات در ذات خود بد نیستند اما نسبت به تمایلات عالی بسیار ناچیزند

حالا مشکل کجا به وجود می آید؟ وقتی انسان اصل و اساس زندگی را این تمایلات قرار دهد و فقط به فکر رسیدن به آن باشد و از تمایلات الهی غافل بماند. از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست . اول دعوت نفس لوامه که میخواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر توجه کنیم و دوم نفس اماره که از ما میخواهد فقط به تمایلات دنیایی و مادی برسیم و از خدا غافل شویم. انسانی که به هوای نفس پاسخ دهد و تسلیم شود قدم در مسیر ذلت گذاشته است. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد ابتدا در باطن خود به تمایلات پست تن داده است و سپس مغلوب زورگویان شده است.

شعر خارکش پیری با دلق درشت نشان دهنده عزت آن خارکش است.

درس هفدهم دینی سال یازدهم (زمینه های پیوند)

خانواده مقدس ترین بنای اجتماعی نزد خداوند است. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل می شود. در این درس می خواهیم با این بنای مقدس بیشتر آشنا شویم.

و من آیته ان خلق کلم من انفسکم ازواجاً لکننوا الیها و از نشانه های خداست که همسرانی از نوع خود شما آفرید تا با آن ها آرامش یابید

و جعل بینکم موده و رحمه و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.

والله جعل کلم من انفسکم ازواجاً و جعل کلم من ازواجکم بنین و خداوند برای شما همسرانی از نوع خودتان قرار داد و از همسرانتان

و خده و رزقکم من الطیبات برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد و از پاکیزه ها به شمار روزی داد.

کلمه انس و ناس مربوط به جنس خاصی نیست. حقیقت اصلی انسان که همان روح است نه مونث است و نه مذکر زنان و مردان ویژگی های فطری مشترکی دارند که با تلاش می خواهند به اهداف مشترک یعنی قرب الهی برسند.

خداوند زن و مرد را به گونه ای آفرید که زوج یکدیگر را کامل می کنند. درست است که اهداف آن ها مشترک است اما به دلیل ویژگی زن بودن و یا مرد بودن و یا از نظر جسمی با هم متفاوت هستند بدون این که نسبت به هم برتری داشته باشند زیرا ملاک برتری تقوا است. تفاوت زن و مرد از جهت وظایف مختلفی است تا هر یک در خانه وظیفه خاصی را انجام دهند.

مهم ترین عامل پایداری خانواده درک درست از زوجیت و مکمل بودن از هم است. از این رو هر جوانی قبل از ازدواج باید با آموزش نزد مشاوران و مربیان به درک درستی از ازدواج و خانواده برسند.

انسان با رسیدن به سن بلوغ و جوانی وارد مرحله مسئولیت پذیری می شود. و باید از هم اکنون برای سعادت خود و خانواده آینده خود تلاش کند مهم ترین برنامه ها درباره تشکیل خانواده عبارت است از:

تقویت عفاف و پاکدامنی در خود و آغاز بلوغ
مشخص کردن هدف های خود در زندگی
شناخت معیار ها و شاخص های همسر مناسب
شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

تقویت عفاف و پاکدامنی:

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمند ترین دوره های عمر انسان است. اگر نوجوان این دوره را با پاکدامنی سپری کند و درحالی وارد زندگی مشترک شود که آلوده به گناه و فحشاء نباشد راه رسیدن به بهشت برای خود و فرزندان خود را هموار می کنید. خداوند در قرآن کریم از انسان می خواهد تا قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کند تا زندگی آن ها را به بهترین شکل ممکن سامان دهد. همچنین می خواهد که انسان به هیچ عنوان به سمت رابطه نامشروع نرود. هر کس به طور فطری دوست دارد با کسی ازدواج کند که قبل از ازدواج رابطه نامشروع نداشته و پاکدامنی خود را حفظ کرده باشد.

اهداف ازدواج
1- پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی ترین زمینه ازدواج است، احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند.
2- انس با همسر: بسیاری از ازدواج ها فقط به هدف اول توجه دارند و اکثرا هم نا موفق هستند. ازدواج رفتار های آرامش بخش را باید ایجاد کند البته زن بیشتر از مرد وظیفه ایجاد آرامش را دارد و مبدا آرامش خانواده است.
3- رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است. فرزند ثمره زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنان است. چه افتخاری بالاتر که خداوند تربیت چند تن از بندگان خود را به ما بسپارد. البته این مسئولیت اگر چشم پوشی شود و فرزند ما به خاطر بی تدبیری ما استعدادش سرکوب شود در پیشگاه خداوند مجازات می شویم.
4- رشد اخلاقی و معنوی: خانواده بستر مناسب رشد فضائل اخلاقی است. در خانواده ابتدا فساد و فحشاء را از خود دور می کنیم سپس مسئولیت پذیری و عشق و محبت را تجربه می کنیم و با تحمل سختی ها به درجات معنوی بالاتری می رسیم.

برای ازدواج لازم است به هر چهار هدف با هم توجه داشته باشیم. که منجر به آرامش و خوشبختی برای ما بشود.

درس هجدهم دینی سال یازدهم (پیوند مقدس)

رسول خدا : **در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از ازدواج نیست.**

از مهم ترین و ماندگار ترین تصمیم های زندگی = انتخاب همسر

پس از تعیین هدف ازدواج انتخاب همسر مناسب مطرح می شود. رضایت کامل دختر و پسر در ازدواج ضروری است. اگر عقدی به زور واقع شود باطل است.

برای موفق شدن باید احساسات جوانی را کنترل کرد. چنان که دیده ایم علاقه به یک شخص باعث می شود که چشم و گوش انسان کور و کر شود. بنابراین باید با بزرگتر ها مشورت کنیم. پدر و مادر به خاطر علاقه زیادی که به ما دارند معمولاً مصلحت و خوشبختی را در نظر می گیرند و به خاطر پختگی شان میتوانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیشبینی کنند. البته پدر و مادر نباید نظر خود را تحمیل کنند و شایسته ات محیط خانواده با همفکری و همدلی همراه باشد.

حضرت علی می فرماید: **حب الشئ یعنی ویسم** علاقه شدید به چیزی آدم را کور و کر می کند.

لطافت روحی دختران آنگاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار دارند باعث می شود برخی واقعیات را نادیده می گیرند. علاوه بر این دختران چون حیا و عزت نفس قوی دارند در ازدواج پیش قدم نمی شوند و این درخواست از طرف پسر صورت می گیرد. ممکن است این حیا باعث بشود تا دختران همه ویژگی های پسر را نشناسند. در این حالت پدر که بر احساس خود غلبه دارد و تجارب زیادی دارد همچون باغبانی دلسوز از گل لطیف خود مراقبت می کند و او را راهنمایی می کند.

از نظر قرآن کریم معیار همسر شایسته با ایمان بودن اوست هر قدر ایمان قوی تر شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیار های دیگری نیز اهمیت دارد مثل: اصالت خانوادگی، پوشش مناسب، صداقت، کسب حلال و زیبایی و

راه های شناخت همسر : تحقیق نباید با معاشرت هایی که منشا آن هوس های زودگذر است همراه باشد. تجربه نشان داده است این گونه تحقیق نتیجه بخش نیست و نتیجه زیانباری را به همراه دارد. به خاطر همین خداوند اجازه این گونه معاشرت ها را نداده است. چون معمولاً افراد احساسات خود را پنهان می کنند و خود واقعی خود را نشان نمی دهند. متناسب با فرهنگ اسلامی راه های زیر برای شناخت کسی که میخواهیم با او ازدواج کنیم پیشنهاد می شود.

1-تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و کار
2-شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت دارد
3-تحقیق درباره روحیات و خلیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل
4-معاشرت خانواده های دو طرف با یکدیگر
5-مشورت با افراد معتمد و کاردان
6- گفتگو با یکدیگر در جلسات حضوری و گفتگو درباره مسائل مختلف.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است= 1-بلوغ جنسی 2-بلوغ فکری و عقلی

پیامبر اکرم: کسی که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است پس باید برای نیم دیگر از خدا پروا داشته باشد.

همچنین ایشان می فرمایند: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج را فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و رزق و روزی آن ها را توسعه دهد و عفاف و غیرت آنان را افزایش دهد

امام صادق نیز می فرمایند: دو رکعت نماز شخص متاهل برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می خواند.

همچنین اگر فردی بخواهد از شیوه ناصحیح به این نیاز پاسخ دهد لذت آنی برخاسته از گناه بعد از مدتی شخصیت او را می شکند و روحشان مانند فرد تشنه است که بیشتر از آب شور دریا می نوشند

مشکلات که جوانان در ازدواج دارند نیز شامل= هزینه بالای مسکن ، هزینه ازدواج و تامین خانواده ، طولانی شدن تحصیلات دانشگاهی و سربازی ، توقعات غیر ضروری ، رقابت نابه جای خانوادگی ، الگو قرار ندادن پیشوایان دینی.

با توجه به تمامی مشکلات پدر و مادران می توانند مشکلات جوانان را برطرف کنند و ازدواج آسان را فراهم کنند. همچنین دختران میتوانند با حفظ پاکدامنی توقعات خود را پایین بیاورند یک زندگی ساده و صمیمی را با همکاری هم آغاز کنند تا از شیرینی و فایده های ازدواج بهره مند شوند.

دوست عزیز گاماس 20 امیدوارم از این جزوه استفاده کرده باشی. اگر به این جزوه مسلط بشی قول بهت میدم هیچ تستی از دین و زندگی نمیتونی طراحی کنی که تو بلد نباشی.

پس حتما چندین بار جزوه رو مرور کن و لذتجو ببر. استفاده از این جزوه هم رایگانه و تنها هزینه اش اینه که برای تمامی اساتید و مشاورین گاماس دعای عاقبت بخیری و سلامتی داشته باشی. ما هم توی مجموعه از صمیم قلب برات دعا می کنیم یه روزی معلم بشی و در تمامی مراحل زندگی بدرخشی و بهت افتخار کنیم.

نوید نیکونام دبیر درس تعلیم و تربیت اسلامی

و مشاور تخصصی رشته انسانی و کنکور فرهنگیان مجموعه گاماس



پایان.....